

گلچین امروز

رئیس جمهور:
به همه تعهدات خود با مردم پایبندیم



صفحه ۲

ورزشی:
رقابت های شطرنج دانشجویان دختر دانشگاه های آزاد کشور در رشت آغاز شد



صفحه ۷

اجتماعی:
آنلاین ها بیشتر سرما می خورند!



صفحه ۴

تندرستی:
چگونه خارش گلو را درمان کنیم؟



صفحه ۶

شهردار رشت خبر داد:
رشت میزبان اولین اجلاس مشترک شهرداران و روسای شوراهای کلانشهرهای ایران و مراکز استانها

سرپرست فرمانداری بندر انزلی:
رسانه ها جدا از دستگاه های اجرایی نیستند

معادن گنجه رودبار تا اعلام نتایج کارشناسی تعطیل می ماند

تجهیز ۲۶ هزار هکتاری اراضی شالیزاری گیلان به سیستم آبیاری نوین

کفال، بیشترین ماهی پردهای صیادی گیلان است

صفحه ۳

استاندار گیلان:
زیر ساخت های پایانه مرزی آستارا با توجه به گذر جدید ارتقاء یابد



صفحه ۳

یادداشت امروز
رسول سعیدی زاده

شمشیر دولبه ای به نام تالش

منطقه تالش یا تالشستان از زمان های قدیم جزئی از فومن شمرده می شد. از سکونت منابع تاریخی درباره قوم تالش تا دوره ایلخانان مغول می توان دریافت که این قوم در رویدادهای مهم آن دوران حضور چندانی نداشته است. در دوره مغول، تالشان به لحاظ حفظ اقتدار سنتی خود یاری به شمار می آمدند و گویا به امر سلطان محمد خدابنده معروف به اولجاایتو (۶۸۰-۷۱۶ق) سرکوب و تاراج شدند. پس از مرگ تیمور در سال ۸۰۷ق. و بروز آثار ضعف در دولت گورکانی، تالشان بر جانشینان وی یاری شده اند. امروزه سرزمین تالش به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می شود. تالش شمالی در جمهوری آذربایجان بوده و جمعیت آنان بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر برآورد می شود و بیش تر به صورت مهاجر در شهر باکو زندگی می کنند. تالش جنوبی بیش تر در شمال غرب ایران و در استان های گیلان و اردبیل به صورت بومی ساکن هستند و جمعیت شان در کل ایران بر طبق آخرین گمانه ها بیش از هفتصد هزار تن می باشد. تالشان جنوبی، و در شهرستان های آستارا، رضوان شهر، ماسال، بخش هایی از شهرستان های شفت، فومن، رودبار، صومعه سرا و همچنین گروه زیادی از تالشان در شهرهای رشت و تهران زندگی می کنند. در کنار مشکلات دائمی کشور ایران، در سه دهه اخیر در مناطق غربی استان گیلان حاشیه های به وجود آمد که از چشم تیزبین مردم و فرهیختگان گیلانی دور نماند.

در سال های اخیر با ظهور کشتگران تالش و دسترسی راحت مردم به وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و شبکه های اجتماعی، حواشی و توهم هایی درباره تالشستان به وجود آمد. کاربرد زیاد واژه استان مستقلی به نام تالشستان در استان کوچک گیلان، تناسب شخصیت های ملی و فرمانتفه ای مثل میرزا کوچک خان به قوم تالش بلون هرگونه سبک و مدرک و تنها بر اساس طنز، اسطوره سازی برای قوم تالش مثل ساختن اسطوره حسن خان آلیانی معین لرعا یا یاران میرزا کوچک خان جنگلی و قهرمان سازی او مانند نامگذاری میدان و خیابانی در تالش به نام حسن خان آلیانی؛ ترویج مشاهیر قوم تالش و... همگی از مصادیقی است که در دو دهه اخیر در غرب گیلان دیده می شود.

جدیدترین برنامه ها در ادامه این کجراه، تأسیس «انجمن تالشان» در هفته های اخیر توسط عده ای سکولار است. افرادی که اعتقادی به نظام و حکومت اسلامی ایران نداشته و حتی با قلم مسموم خود سعی در معاندت و معاضدت با نظام دارند و جالب آن که اولین دیدار این انجمن نوظهور برای پیاده سازی اهدافش نشست چند ساعته با حجت الاسلام دکتر مجتبی نورزاد، امام جمعه تالش زبان هشتر، در روزهای اخیر و ارائه درخواست های مانند: بازگشت نام تالش به پسوند استان گیلان (یعنی استان گیلان و تالش)، تأسیس صدا و سیما و تالش زبانان و تشکیل کمیته ای در استانداری گیلان برای بازگرداندن نام پیشین و تالشی جای نام هایی که از تالشی به دیگر زبانها تغییر یافت، است.

شاید این گروه دیوار امام جمعه تالش را به خاطر نامه نگاری انتقادی بیست بندی او در دو هفته پیش به هادی حق شناس استاندار محترم گیلان کوتاه دید و شاید هم منظور از این دیدار استفاده از بومی بودن و جایگاه معنوی امام جمعه تالش در میان جامعه تالش زبانان باشد.

به هر حال با توجه به فوی بودن مبحث قومیت نزد تالشان، مسئولین استان گیلان و شهرستان تالش ضمن انجام وظایف قانونی خود در رابطه با بهبود وضعیت اقتصادی و کشاورزی و فرهنگی با قدم های استوار درصدد پیاده سازی سیاست های اجرایی نظام بوده و از هرگونه حاشیه سازی که موجب تفرقه می گردد، پرهیز نمایند؛ البته ساده اندیشی است که بگوئیم کشتن های قوم تالشان ایران هیچ رنگ و بوی تجزیه طلبی ندارد، بلکه فقط بازسازی هویت قومی و پاسداری از فرهنگ و تاریخ و قومیت خودشان است!

qubbat@yahoo.com

لوستر اکبری

مرکز فروش انواع لوسترهای مدرن، مجلسی و کلیه لوازم الکتریکی

آدرس نمایشگاه: رشت - اول خیابان شریعتی - تلفن: ۳۳۲۲۰۲۱۰ - ۳۳۲۲۷۰۵۰

www.LoosterAkbari.com

آرنا

مجموعه ورزشی

آکادمی بسکتبال

آموزش فوتبال والیبال

ایروبیک بدنسازی و آمادگی جسمانی

گلزار، بلوار دیلمان، خیابان وحدت

۳۳۷۶۳۲۴۸

انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی گیلان

هموطن عزیز زیباترین جلوه نیکوکاری کمک به بیماران انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی است.

خواهشمند است کمک های انساندوستانه خود را به شماره حساب های ۰۱۰۵۳۹۲۸۵۵۰۰۵ بانک ملی و ۰۱۰۲۵۰۷۲۰۸۰۰۰ بانک صادرات واریز و یا به نشانی انجمن واقع در رشت خیابان حافظ کوچه مویدی اهدا فرمایید.

تلفن: ۳۳۲۶۳۵۳۹

یادداشت سه پرسش در باب شعر

آیا هنگام سرایش شعر همه آنچه در ذهن شاعر است به نگارش می آید؟ آیا آنچه در ذهن شاعر است، زیبایی است یا آنچه تبدیل به متن شده است؟ کدام یک اهمیت دارد؟ اصولی معتقدند، لفظ از وضع پدید می آید و در واقع دلالت وضع بر معنا، دلالت وضعی است. پس بین لفظ، وضع و معنا ارتباط عمیقی وجود دارد. وضع هم به صورت عمل نوشتار است هم به صورت گفتار. «پل ریکور» به عنوان یک پدیدارشناس معتقد بود که «گفتار یا نوشتار برخی از ویژگی های خود را از دست می دهد». (عوامل فهم متن، سیدحمیدرضا حسینی، هرمس ۱۳۸۹)

ویلیام کورت ویسمات (نظریه پرداز) و موزو بیردزلی (نظریه پرداز) در پی نظریه «مغالطه قصدی» بر این عقیده بودند که قصد و نیت مولف علت غایی شکل گیری متن است. بر طبق نظریه «مغالطه قصدی» - جستجوی نیت مولف برای فهم معنای یک اثر ادبی اشتباه است - مراد از قصد طرح یا نقشه ای است که در ذهن مولف وجود دارد. قصد و نیت مولف با طرز تفکر و نگارش مولف در دو حوزه اثری که پدید آورده با احساسی که نسبت به آن داشته و به طور کلی با چیزی که او را وادار به نوشتن کرده است، قریب دارد. «ویسمات و بیردزلی» معتقدند که شعر به طور تصادفی سروده نمی شود. اما سوال مهم این است که چگونه می توان متوجه شد که تمام قصد مولف و شاعر در متن اتفاق افتاده است؟

آنها به این سوال چنین پاسخ داده اند: الف- خود متن تنها گواه است و غیر از آن دلیل دیگری نداریم. ب- هستی یک متن بیانگر قصد و نیت نویسنده است. ج - معنای یک متن یا شعر بر ملا کننده حالت روحی و روانی نویسنده است. د - رجوع به پیوسته های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و زندگی نامه نویسنده یا شاعر... د - شاعر و نویسنده مدام متنش را اصلاح می کند. بنابراین رسیدن به مقصود اصلی به نظر کاری عبث و ناممکن است. اما آنچه نگارنده در پس این گفتار می تواند بر آن اضافه کند، این است که ۱ - زبان با همه ظرفیت های خود، نمی تواند همیشه عمق احساسات، پیچیدگی افکار یا ظرافت های درونی شاعر را به طور کامل منتقل کند. ۲ - شاعر ممکن است چیزی را حس کند که یافتن واژگان مناسب برای بیان آن دشوار باشد. ۳ - شاعر از میان تصاویر، ایده ها و احساسات موجود در ذهنش، آن هایی را انتخاب می کند که بیشترین تأثیر یا زیبایی هنری را دارند. این انتخاب به ناچار باعث حذف بخشی از محتوای ذهنی او می شود. بنابراین به نظر بسیاری از احساسات یا تصاویر در ذهن شاعر در لایه های ناخودآگاه او باقی می ماند و به سطح آگاهی کامل نمی آید که این امر می تواند باعث شود آنچه سروده می شود، تنها بخش کوچکی از آن چیزی باشد که در ذهن شاعر جریان دارد. همچنین شاعران گاهی عمداً از بیان مستقیم آنچه در ذهن دارند، خودداری می کنند و از رمزها، استعاره ها و ایهام استفاده می کنند. این فرایند، بخش هایی از ذهن شاعر را در پس واژگان پنهان می کند و به خواننده اجازه می دهد تفسیری شخصی از شعر داشته باشد.

البته پل ریکور پیرامون این استدلال بر نظر دیگری است؛ او معتقد بود که زبان شعر همچون سایر شکل های زبان وسیله ای است که از طریق آن معنای جدید خلق می شود؛ اما این معنا همواره محصول نوعی فاصله گذاری میان تجربه ذهنی شاعر و متن ادبی است. به این ترتیب آنچه در ذهن شاعر است به طور مستقیم و کامل به متن منتقل نمی شود.

زبان شعری از طریق استعاره و تخیل، پ به جهان جدیدی اشاره می کند که دیگر به طور مستقیم با ذهنیت اولیه شاعر یکی نیست. این فرایند را ریکور «جهان متن» می نامد؛ جهانی که ممکن است فراتر از نیت اولیه شاعر باشد. با توجه به اینکه شاعر از تخیل و استعاره در شعر بهره می برد بنابراین از واقعیتی که در ذهنش حضور دارد، فاصله می گیرد. ضمن اینکه واقعیت به تنهایی لخت و عور است و ممکن است زیبا نباشد، بنابراین شاعر برای ایجاد زیبایی، مجبور به قلب حقیقت است. لذا ما هیچگاه با اصل واقعیت ذهنی شاعر مواجه نمی شویم و آنچه به عنوان شعر می خوانیم، دریافت ذهنی شاعر، تصور او به عنوان واقع است. بر این اساس در فرایند ریخت شناسی اثر به لحاظ موقعیت های زیبایی شناسانه آنچه در ذهن شاعر است، در فرایند سرایش اهمیت کمتری دارد و معیار اصلی برای فهم شعر، خود متن و تأثیری است که بر مخاطب می گذارد، نه قصد و نیت شاعر. و نتیجه اینکه مهم نیست شاعر چه چیزی «می خواهد» بگوید، مهم این است که متن چه چیزی را «می گوید».

مزدک پنجای

